

عنوان مقاله:

هدف و منبع رویکرد تفسیری فقه اسلامی در قیاس با تفسیر کارکردگرا

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره 3، شماره 2 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

حسین سیمایی صراف - دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

ابراهیم عبدی پور - دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم

جواد معتمدی - دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم

خلاصه مقاله:

دیدگاه‌های کلانی که چارچوب اندیشه تفسیری را شکل می‌دهد با عنوان رویکرد می‌شناسیم. به طور کلی، رویکردهای تفسیری را می‌توان به دو دسته اراده‌گرا و کارکردگرا تقسیم نمود. رویکرد تفسیری در فقه اسلامی دو هدف اصلی دارد: انسجام نظام تفسیری، و کشف اراده شارع. انسجام تفسیری و منطقی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است مبتنی بر نظریه صدق انسجام و با هدف جزمیت استدلال قضایی است. ابزارهای تفسیری این رویکرد نیز عبارت است از یکپارچگی تفسیر قوانین، ماهیت‌شناسی، حاکمیت اصول حقوقی و قیاس حقوقی. در برابر، تفسیر کارکردگرا مبتنی بر پراگماتیسم بوده و اساسا تکثرگرا است؛ لذا بهای کمتری به جزمیت و یکپارچگی تفسیر می‌دهد. همچنین قیاس‌گریز و ماهیت‌گریز است. از سویی، منبع تفسیر در فقه اسلامی اساسا متن و گاهی زمینه متن می‌باشد. در برابر، پراگماتیسم تفسیری اصولا زمینه‌گرا است. تحقیق حاضر تلاش دارد جنبه‌های کمتر دیده شده و پر اهمیت تفسیر فقهی را از منظر روش-شناختی بررسی نماید. در نتیجه، تحقیق مشخص می‌شود که وجه تمایز اصلی تفسیر فقهی و تفاسیر کارکردگرا، ناظر بر انسجام روش تفسیر اول است.

کلمات کلیدی:

رویکرد تفسیری، فقه، اراده‌گرا، کارکردگرا، انسجام تفسیری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/874348>

